

شرح رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام)

حجت الاسلام والمسلمین. استاد حاج علی اکبری



حق البصر

جلسه ششم

۱۳۹۳/۰۵/۱۲

فهرست

- دو حق چشم بر انسان
- ۱. چشم پوشیدن از محرّمات
- ۲. چشم گشودن بر دیدنی‌ها
- سه مصداق دیدنی‌های واجب
- نگاه‌های مستحب
- چهار ویژگی نگاه مؤمن
- ۱. ادب
- ۲. عمیق بودن
- ۳. مثبت بودن
- ۴. لطافت و نازک‌بینی
- نگاه‌هایی که انسان را عمیق می‌کند
- ۱. نگاه به گذشتگان
- ۲. زیارت اهل قبور
- ۳. نگاه به بیماران و گرفتاران
- دیدنی‌های واجب برای سالک

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

همچنان رایحه‌ی دلپذیر عید سعید فطر به مشام می‌رسد. به همه‌ی عزیزان، این عید را تبریک و تهنیت عرض می‌کنم. امیدوارم خداوند تبارک و تعالی از خزانه‌ی لطف و کرم و مهرش و به برکت این ایام، برکات مادی و معنوی خودش را بر همه‌ی عزیزان ما و خانواده‌های محترمشان نازل کند و ان‌شاءالله سفره‌ی زندگی‌شان پر بار باشد.

امیدوارم خداوند تبارک و تعالی، به لطف و کرمش توفیق حفاظت از دستاوردهای ماه مبارک رمضان را به همه‌ی ما کرامت کند و ان‌شاءالله با نصرت خودش، دل مظلومین عالم را هم شاد کند. جامعه‌ی ما این روزها در رنج است از دیدن صحنه‌های دلخراشی که توسط انسان‌نماهایی اتفاق می‌افتد که هیچ بویی از انسانیت نبرده‌اند و عاطفه‌ی بشریت را در این ایام جریحه‌دار کرده‌اند. امیدوارم با نصرت الهی روزهای پیروزی و شیرینی در پیش باشد و این تلخی‌ها مبدل به شیرینی بشود؛ ان‌شاءالله.

دو حق چشم بر انسان

۱. چشم پوشیدن از محرمات

«حَقُّ الْبَصَرِ» یکی از مهم‌ترین حقوقی است که در بخش حقوق اعضاء و جوارح، در رساله‌ی حقوق مطرح شده است. حضرت در این بخش می‌فرماید: «وَأَمَّا حَقُّ الْبَصَرِ فَغَضُّهُ عَمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ وَتَرْكُ ابْتِدَالِهِ»، اولین حق در ارتباط با دیدن و چشم که بر

عهده‌ی همه‌ی ما است و امیدواریم از عهده‌اش بریباییم، این است که چشم‌مان را از آنچه که حلال نیست بپوشانیم و خود را از نگاه‌های مبتذل، اضافی و بدون سود یا با ضررهای هرچند اندک نیز حفظ و این نوع نگاه‌های سطحی و مبتذل را ترک کنیم. این حقّ نخست در باب حقّ دیدن بود.

در جلسات گذشته به لطف پروردگار متعال این بخش را توضیح دادیم. فقط یک یادآوری کوتاه داشته باشم و آن اینکه بر اساس توضیحاتی که از کلمات اولیاء خدا و برداشت‌هایی که از آیات کریمه‌ی قرآنی داشتیم، فهمیدیم که دیدن سرنوشت‌ساز است و چیزهایی که از طریق چشم ما به دل، روان و شخصیت ما اعزام می‌شود، در اعتلا و رشد و کمال و شکوه شخصیت ما، نقش بی‌بدیل و فوق‌العاده ممتازی دارد. در نقطه‌ی مقابل نیز اگر آن چیزهایی که اعزام می‌شوند، جزء امور نامناسب، آلوده و تصویرهای آسیب‌رسان به روح و روان انسان و باشند، حقیقتاً رشد را در انسان مختل می‌سازد و مسیر کمال را برای انسان دشوار و گاهی حتی متوقف می‌کند. تأثیر دیدن فوق‌العاده است. دقیقاً آن چیزهایی که ما می‌بینیم، به صفحه‌ی دل ما نگاشته می‌شود و گاهی این نگاشته‌ها به قدری عمیق هستند که پاک کردن آنها به آسانی ممکن نیست. تصویر نامناسبی که حک می‌شود، آثار نامناسبش در روان و روح انسان تا مدت‌ها باقی می‌ماند. با این ملاحظه، ما به شکل طبیعی باید در درجه‌ی اول یک حفاظت فعال برای چشمان و دیدگانمان داشته باشیم و دیدن خود را حفاظت کنیم از انواع و اقسام آفت‌هایی که از

این طریق می تواند وارد شخصیت ما بشود. بنابراین باید از این ورودی مراقبت داشته باشیم.

## ۲. چشم گشودن بر دیدنی ها

حضرت درباره ی حقّ دوم نیز که بسیار مهم است، فرمودند: «إِلَّا لِمَوْضِعٍ غَيْرَةٍ تَسْتَقْبِلُ بِهَا بَصْرًا أَوْ تَسْتَفِيدُ بِهَا عِلْمًا»، در اینجا باید چشم تان را رها کنید و آزاد بگذارید. پس مرحله ی اول این است که چشم تان را مراقبت کنید، ببندید و فروپوشید. اما حالا حضرت می فرماید در جاهایی باید چشمانتان را آزاد و باز بگذارید تا تماشا کند و آن، جایی است که آن نگاه با عبرت و نوعی بیدار کردن و توجه، تنبّه، ذکر، به خود آمدن، درس و پند گرفتن همراه باشد یا در جایی که آن تماشا، علم را به همراه داشته باشد و معرفت، دانش و علم شما را گسترش و توسعه بدهد و دانش های تازه برای شما به ارمغان آورد. جمله ی جمع بندی حضرت نیز این بود: «فَإِنَّ الْبَصَرَ بَابُ الْأَعْتِبَارِ»، راه رسیدن به نادیدنی ها، کشف، عبرت آموختن و عبور از ظاهر به باطن، همین چشم و بصر است و از همین طریق، انسان یافته های خودش را از محیط پیرامونی دارد و تقویت می کند. دیدن به همراه شنیدن، دروازه ی اصلی شخصیت و قلب ما را تشکیل می دهند. حقّ دوم، در واقع شکر نعمت بینایی از طریق بهره برداری است؛ یعنی آنجایی که انسان باید حقیقتاً ببیند، تماشا کند و از این امکان حقیقتاً فوق العاده، عظیم و نعمت بسیار بزرگ، کمال استفاده و بهره برداری را داشته باشد.

از آنجا که تقسیم‌بندی ما تقریباً فقهی بود، این فصل را می‌توانیم این‌طور تقسیم بکنیم که در درجه‌ی اول، دیدنی‌های واجب قرار دارد. من از این تقسیم شروع می‌کنم بعد به بخش اخلاقی‌اش می‌رسم. پس بعضی چیزها را باید ببینیم و اگر انسان در این بخش کوتاهی بکند، مؤاخذه می‌شود. این یک بخش است. بخش دوم، دیدنی‌های مطلوب و مستحب است.

### سه مصداق دیدنی‌های واجب

دیدنی‌های واجب یعنی چیزهایی که ما باید حتماً آنها را ببینیم؛ البته با همان معیار واجب فقهی. سه مصداق را برای این بخش ذکر می‌کنیم. مصداق اول نگاهی است که ما از طریق آن به یک دانش ضروری دست پیدا می‌کنیم. توضیح آنکه تحصیل برخی از دانش‌ها برای ما واجب است؛ گاهی واجب عینی است و گاهی واجب کفایی. مثلاً بر همه‌ی ما تحصیل معرفت الهی واجب است. آن بخشی که این معرفت از طریق دیدن و تماشا و نگاه به دست می‌آید و راهش این است که انسان مشاهده کند، این نگاه کردن واجب می‌شود. گاهی هم دستیابی به برخی از دانش‌ها فعلاً بر گروهی واجب است، اما بر گروه دیگری واجب نیست که به آن در اصطلاح، واجب کفایی می‌گوییم. برخی دانش‌ها مورد نیاز جامعه است و گروهی باید آنها را برای رفع احتیاجات فوق‌العاده ضروری جامعه و نه احتیاجات مستحبی، بیاموزند و تا آن نیازها تأمین نشود، بر این گروه لازم است که این علوم را تحصیل کنند. فرض این است که این گروه از دانش‌ها هم از طریق دیدن به دست می‌آید؛ بنابراین این نوع نگاه و دیدن برای شخص واجب

می‌شود. این مثال در بخش تحصیل دانش است؛ منتها به اعتبار دانشی که تحصیلش واجب است.

دوم نگاه حفاظت است. نگاه حفاظت یعنی چه؟ بعضی از آفت‌ها می‌توانند امنیت اجتماعی ما را تهدید یا به مرزهای دینی آسیب وارد بکنند. بر همه واجب است که این نوع مرزبانی و این نگاه امنیت‌آفرین را داشته باشند. البته گروه‌های خاصی هستند که مأموریت تأمین امنیت را دارند که عبارتند از مرزبانان که در نقاط مرزی حضور دارند و نیروهایی که مسئولیت تأمین امنیت را در داخل دارند.

اهمیت این نگاه به این دلیل است که امروزه قیمتی‌ترین چیزی که در زندگی اجتماعی برای هر نوع پیشرفتی جزء موارد اصلی محسوب می‌شود، امنیت است. در پرتو امنیت می‌شود به هر چیزی رسید و وقتی امنیت از دست می‌رود، همه‌چیز در معرض آسیب و مخاطره قرار می‌گیرد. این نوع مرزبانی‌ها برای گروه‌های خاصی که در این زمینه مأموریت ویژه دارند، مسئولیت و رسالت ویژه است و بر آنها به اقتضاء شغل و مسئولیت‌شان واجب است. بر عموم مؤمنین و جامعه‌ی اسلامی نیز واجب است که این نگاه روشن را - که یک نوع مرزبانی عمومی است - در بخش تأمین امنیت عمومی حفاظت عمومی داشته باشند، با ملاحظه‌ی اینکه دشمنان، مرتب دارای تحرکات گوناگونی هستند که با مراقبت عمومی می‌شود به یک امنیت عمومی دست پیدا کرد و خوشبختانه جامعه‌ی ما در این بخش آزموده شده است؛ زیرا سابقه‌ی ناامنی‌ها را در بخش‌های مختلف دارد و از رهگذر همین نگاه روشن، سطح امنیت اجتماعی ما تا حدّ

زیادی افزایش و این چتر حفاظت توسعه یافته است که خدای متعال را باید حقیقتاً به خاطر این نعمت سپاسگزار باشیم. ضمناً باید ممنون باشیم از کسانی که تأمین‌کننده‌ی امنیت هستند و مرزبانی می‌کنند و همچنین از عموم مردم به خاطر داشتن این نگاه‌های حسّاس و دقیق و عمل به این وظیفه‌ی جمعی و عمومی.

محصول نظارت عمومی، تأمین امنیت سخت و امنیت نرم است که همه در این زمینه وظیفه‌ی روشن و بسیار مهمی را داریم. این هم نکته و مثال دوم.

مثال سوم نگاهی است که به وسیله‌ی آن ما به انسان مؤمن یا انسان‌های مسلمان یاری می‌رسانیم. یاری انسان‌های مؤمن جزء حقوق واجب است. بر هر کدام از ما واجب است که سایر انسان‌های مؤمن را یاری کنیم؛ مخصوصاً اگر از ما توقع کنند و ما را برای یاری خودشان فراخوان کنند. این یک حقّ مسلم و جدّی است. گاهی اوقات کسی از شما کمک می‌خواهد، منتها کمکش از این قبیل است که از شما توقع دارد صحنه‌ای را که در ارتباط با زندگی و کار و مشکل او پیش آمده، ببینید تا بعدها بتوانید بر اساس شهادتی که می‌دهید، او را یاری کنید. مثلاً ظلمی به کسی شده، از شما توقع می‌کند که این ظلم را ببینید تا فردا در یک محکمه یا دادگاه به عنوان شاهد حضور پیدا بکنید و شهادت بدهید. چون اینجا کمک به این انسان مظلوم از طریق مشاهده‌ی شما امکان‌پذیر است، این نوع نگاه، واجب است و به اقتضاء آن، ما باید به انسان مؤمن دیگری کمک و نصرت داشته باشیم.

اینها نگاه‌های واجب بودند.



## نگاه‌های مستحب

از اینجا، در بحث نگاه، وارد بخش بسیار وسیع و مملو از زیبایی می‌شویم که نگاه‌های مفید، مطلوب و مستحب است؛ منتها مستحب از نظر فقهی، ولی واجب از نظر سلوکی و اخلاقی. چنانچه انسانی بخواهد مسیر کمال را طی کند، سیر داشته باشد و روحش به پرواز دربیاید، قلبش روشن و چشم دلش بینا شود، باید این نگاه‌ها را داشته باشد.

کسی که می‌خواهد رشد کند، باید ببیند و چاره‌ای غیر از این ندارد و اصلاً غیر از این، برای رسیدن به درجات، کمالات و مقامات انسانی، راهی وجود ندارد.

من به عنایت الهی و با کمک‌خواهی از ولی‌الله الاعظم (عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف) که مربی همه‌ی انسان‌ها و همه‌ی کسانی است که در مسیر رشد قدم برمی‌دارند، سراغ آیاتی از قرآن کریم می‌روم و فهرست و نمونه‌هایی را در این بخش تقدیم می‌کنم و ان‌شاءالله از سیره و کلمات اولیاء خدا نیز مدد می‌گیرم.

## چهار ویژگی نگاه مؤمن

## ۱. ادب

این بحث حقیقتاً سرنوشت‌ساز و کمک‌کننده و جدی محسوب می‌شود؛ به ویژه بعد از سیر و سلوک ماه مبارک رمضان و فضای لطیفی که در روح و روان افراد و جامعه‌ی ما به لطف خدای متعال پیدا شده است. ابتدا یک برداشت را به صورت کلی عرض می‌کنم، سپس سراغ آن فهرست می‌روم. آن برداشت کلی این است که مراجعه‌ی ما به قرآن کریم، کلمات اولیاء خدا و سیره‌ی اولیاء خدا نشان می‌دهد که نگاه انسان مؤمن، دارای

چهار ویژگی است: اولاً مؤدّب است؛ یعنی نگاه انسان مؤمن آمیخته‌ی به حیا، عفت، وقار و فروتنی است. این نکته‌ی اول است. نگاه مؤمن، نگاه مؤدّبانه، آمیخته‌ی با حیا و عفت است. مؤمن نگاهش حفاظت دارد و البته متین و آمیخته با فروتنی و تواضع است. نقطه‌ی مقابلش نگاه‌های هرزه، فاقد شرم، خیره، تند و تیز و تخریب‌گر است که منافقین و کفار، این نگاه‌ها را دارند.

### ۲. عمیق بودن

ویژگی دوم اینکه نگاه انسان مؤمن عمیق است؛ یعنی نگاه مؤمن آمیخته با تفکر و در جستجوی عبرت و فهم برتر است که محصول این نوع نگاه، دانش و عبرت و بصیرت است. درست نقطه‌ی مقابل نگاه‌های منافقانه و کفار و دیگرانی که نگاه‌های سطحی دارند. آنها موفق به عبور و تماشای آنچه نادیدنی است، نمی‌شوند؛ زیرا هنر انسان مؤمن دیدن نادیدنی‌ها است و دیدن نادیدنی‌ها از طریق تماشای عمیق فراهم می‌شود. انسان با نگاه عمیق است که می‌تواند به لطف خدای متعال برسد.

### ۳. مثبت بودن

نکته‌ی سوم اینکه نگاه انسان مؤمن مثبت و برخاسته از یک روح روشن و آمیخته با حسن ظن و خوش‌بینی است. روح انسان مؤمن مملو از امید و نشاط است. مؤمن هیچ‌گاه از چنین حالتی فاصله نمی‌گیرد؛ زیرا می‌داند که جهان خالق، ولیّ و مدبّر دارد. خالق که حکیم، مهربان، رحیم، کریم و غنی است و تکیه‌گاه انسان مؤمن است. لذا مؤمن می‌داند مجموعه‌ی جریان‌های پیرامون او، رو به روزهای روشن‌تر و شرایط بهتر می‌روند

و حتی اگر مواردی به ظاهر ناامیدکننده وجود داشته باشد، می‌داند که پشت پرده خبرهایی است و به پروردگارش ایمان دارد.

این نکته خیلی مهم است. انسان مؤمن مثبت و نگاهش مثبت است. نقطه‌ی مقابلش نگاه‌های منفی، نگاه‌های آمیخته با گله، آدم‌های گله‌مند و نق‌زن است؛ کسانی که همیشه نیمه‌ی خالی را مشاهده می‌کنند.

در روایات ما، در سیمای پیامبر اعظم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) نیز همیشه یک وضعیّت روشن و بهشتی ترسیم شده است. سیمای مؤمن چنین سیمایی است. البته معنای این سخن این نیست که مؤمن رنج‌ها و دشواری‌ها را نمی‌بیند و بی‌درد است. بلکه معنایش این است که چشمش به روی خداوند و به جمال حق روشن می‌شود و همه چیز را بر اساس قاعده‌ی توحیدی تفسیر می‌کند. به همین علت در نگاه مؤمن همیشه خوش‌بینی و امید مشاهده می‌شود.

#### ۴. لطافت و نازک‌بینی

لطافت و نازکی ویژگی چهارم نگاه مؤمن است؛ زیرا روح و روان مؤمن در جریان ایمان، زلال و شفاف می‌شود. انسان مؤمن روح هنرمندی دارد و نگاهش نگاه هنری است؛ لذا نازک‌بین است و لطیف می‌بیند.

زندگی مؤمنانه زندگی واقعی است. زندگی‌ای که فاقد این شاخص‌ها باشد، زندگی نیست؛ چیزی شبیه زندگی است. در مثال نگاه می‌شود تا حدّی شخصیت انسان مؤمن

را مشاهده کرد. ادب، اعتلا، رشد، امید، و از سوی دیگر لطافت و حلاوت، در شخصیت مؤمن موج می‌زند.

اگر موفق بشویم این فهرست از نگاه‌ها را در متن دیدارها و زیارت‌ها و تماشا برای خودمان قرار بدهیم، یعنی در دستور کار تماشای خودمان قرار بدهیم و آنها را مرتب دنبال کنیم و سهم دیدن خودمان را در این بخش به صورت مناسبی تأمین بکنیم، یک اتفاق خوب می‌افتد که عبارت است از باز شدن چشم دل.

خدای متعال در قرآن کریم یک گروه را به شدت سرزنش و توبیخ می‌کند: کسانی که به حسب ظاهر چشم دارند، اما نمی‌بینند. خدای متعال می‌فرماید مشکل اینها مشکل چشم ظاهری نیست، چشم ظاهرشان می‌بیند؛ بلکه مشکل‌شان این است که: «وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ»<sup>[۱]</sup> در حقیقت، چشم‌ها کور نیست؛ لیکن دل‌هایی که در سینه‌ها است کور است. مشکل این است که دل‌هایی دارند که گرفتار نابینایی است. بینا شدن چشم دل راه دارد. علت نابینایی‌اش ابتلاء به دیدنی‌های حرام و دیدنی‌های لهُو و بیهوده است؛ چیزهایی که چشم دل را کور می‌کند و مثل تیری است که به چشم دل انسان می‌خورد. از طرف دیگر، ما برای بینا شدن چشم دلمان باید فهرستی از دیدن‌ها را در دستور کارمان قرار بدهیم که این دیدن‌ها منجر می‌شود به بازگشایی چشم دل ما. پس ما باید دو قدم برداریم. یکی اینکه از یک فهرست باید اجتناب کنیم. اگر این کار را بکنیم، نادیدنی‌ها را می‌بینیم؛ چنان‌که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «غَضُوا أَبْصَارَكُمْ تَرَوْنَ الْعَجَائِبَ»<sup>[۲]</sup> چشمان خود را نگه دارید تا عجائب را ببینید.»

اگر شما می‌خواهید عجائب را مشاهده کنید، باید چشم‌پوشی کنید از چیزهایی که در فهرست قبلی گفتیم که جنبه‌ی حفاظتی داشت و حقّ اولّ محسوب می‌شد.

اماّ ادای حقّ دوم، موجب روشن‌بینی، بصیرت و دریافت تازه به وسیله‌ی چشم دل می‌شود. همان چیزی که شاعر درباره‌اش گفته است: چشم دل باز کن که جان بینی / آنچه نادیدنی است آن بینی / گر به اقلیم عشق روی آری / همه آفاق گلستان بینی / که یکی هست و هیچ نیست جز او / وَحَدَهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ. [۳]

نگاه‌هایی که انسان را عمیق می‌کند

در شاخص‌های نگاه انسان مؤمن گفتیم که نگاه مؤمن عمیق و همراه با تفکر است و سطحی نیست. از برکات این نگاه، عبرت است که انسان را از غفلت بیرون می‌آورد، بیدار می‌کند، نسبت به هدف‌های بزرگ و آفت‌ها او را متوجه می‌کند. محصول چنین نگاهی، یک فهم برتر و متفاوت است. برای چنین نگاهی چند مثال ذکر می‌کنم.

#### ۱. نگاه به گذشتگان

در قرآن کریم به ما توصیه شده که این نگاه را داشته باشیم. برای رسیدن به این نگاه، قرآن کریم به ما توصیه می‌کند که در زمین سیر و سفر کنیم، و نه تنها به مطالعه‌ی تاریخ گذشتگان از روی کتاب‌ها پردازیم، بلکه آثارشان را نیز تماشا کنیم: «سِيرُوا فِي الْأَرْضِ؛ [۴] در زمین بگردید». خوشبختانه جامعه‌ی ما جامعه‌ی پرسفری است و مردم ما اهل سفر هستند. اگر این سیر با تفکر و عبرت آمیخته باشد و این توصیه صریح قرآن

کریم را در دستور کار قرار بدهیم، رشد عمومی ما تضمین خواهد شد. یک مثال روشنش مواردی است که در قرآن کریم آمده که فرموده بروید و ببینید که قبل از شما چه امت‌هایی بودند، چه کار کردند و از آنها چه باقی مانده است. کجا رفتند آنهایی که آیات الهی را تکذیب می‌کردند؟ کجا رفتند کسانی که ستم می‌کردند؟ آنهایی که فساد می‌کردند سرنوشتشان چه شد؟ «فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ»؛ [۵] پس ببین فرجام فسادگران چگونه بود». این توصیه صریح قرآن است که: «سَيُرَوُّوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ»؛ [۶] در زمین بگردید و بنگرید فرجام گنه‌پیشگان چگونه بوده است» یا «سَيُرَوُّوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»؛ [۷] در زمین بگردید، آنگاه بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است». محصول این نگاه عبرت می‌شود که به شما بیداری و توجه می‌دهد و می‌فهمید که مسیر تاریخ به چه سمتی حرکت می‌کند. علاوه بر این، شما را نگهداری می‌کند از اینکه در دام‌های بسیار خطرناک بیفتید.

## ۲. زیارت اهل قبور

مثال دوم برای رسیدن به بیداری روحی و معنوی از طریق دیدن و تماشا و غفلت‌زدایی از طریق نگاه و تماشا، توصیه به زیارت اهل قبور است. قبرستان‌ها پنجره‌هایی به روی عالم بعدی محسوب می‌شوند. ما نمی‌توانیم با کسانی که از دنیا رفته‌اند دیدار داشته باشیم؛ ولی ذهن و فکر ما می‌تواند با دیدن قبرهای آنها وارد عالم مردگان شود. زیارت اهل قبور خیلی بیدارکننده است و به شدت به آن نیاز داریم. عبارت «زِيَارَةُ أَهْلِ الْقُبُورِ» نشان می‌دهد که مشاهده باید حسّی باشد؛ یعنی نمی‌شود در خانه بنشینیم و درباره‌ی

کسانی که رفته‌اند، فکر کنیم؛ البته آن‌هم خوب است؛ منتها باید حرکت کنیم و به قبرستان‌ها برویم. در نهج‌البلاغه جمله‌ای وجود دارد که خیلی تکان‌دهنده است. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) با اصحابشان از جنگ صفین برمی‌گشتند که نزدیک کوفه، کنار قبرستان ایستادند و به تبع ایشان، اصحاب ایستادند. بعد از چند لحظه امام (علیه‌السلام) شروع کردند با کسانی که در آن گورستان دفن شدند حرف زدند و گفتند: «يَا أَهْلَ الدِّيَارِ الْمُوَحِّشَةِ وَالْمَحَالِّ الْمُقْفَرَةِ وَالْقُبُورِ الْمُظْلِمَةِ! يَا أَهْلَ التُّرْبَةِ! يَا أَهْلَ الْغُرْبَةِ! يَا أَهْلَ الْوَحْدَةِ! يَا أَهْلَ الْوَحْشَةِ! اِی سَاکِنَانَ خَانَه‌هَای وَحَشْتَنَاکِ وَ مَکَانَهَای خَالِی وَ قَبْرِهَای تَارِیکِ! اِی خَاک‌نَشِینَانَ! اِی غَرِیبَانَ! اِی تَنهَایَانَ! اِی وَحَشْت‌زَدگان!». این‌گونه با آنها شروع به صحبت کردند و به کسانی که همراهشان بودند، زیارت بیدارکننده اهل قبور را آموزش دادند؛ مخصوصاً با این کلمات بیدارکننده: اِی خَاک‌نَشِینَانَ! اِی خَاک‌شده‌ها! اِی تَنهَاشده‌ها! بعد حضرت فرمودند: من برای شما خبرهایی دارم: «أَمَّ الدُّورِ فَقَدْ سَكِنَتْ، أَمَّ الْأَزْوَاجِ فَقَدْ نَكِحَتْ، وَ أَمَّ الْأَمْوَالَ فَقَدْ قُسِمَتْ؛ هَمْسِرَانِ شَمَا بَه نِکَاحِ دِیْگِرَانَ دَرآمَدَنَد، دِیْگِرَانَ دَر خَانَه‌هَای شَمَا سَاکِنِ شَدَنَد وَ اِمْوَالَ شَمَا بَیْنَ دِیْگِرَانَ تَقْسِیمِ شَدَ». بعد حضرت فرمود: این خبرهای من بود برای شما، شما چه خبری برای ما دارید؟ سپس حضرت چند لحظه‌ای سکوت کردند، آنگاه سر برداشتند و فرمودند: «أَمَّا لَوْ أُذِنَ لَهُمْ فِي الْكَلَامِ لَا خَبْرُوكُمْ» آنها صحبت‌های ما را شنیدند، اما اجازه ندارند با شما حرف بزنند. اگر به آنها اجازه داده می‌شد که سخن بگویند، آنها هم برای شما خبری داشتند و

خبرشان این بود: «إِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى؛ بهترین زاد و توشه، پرهیزکاری است». بهترین توشه‌ای که می‌تواند برای سرای بعدی مفید و سودمند باشد، تقوا است. این زیارت است که بیدارکننده است و انسان را به خود می‌آورد و فضای دیگری را در زندگی انسان به وجود می‌آورد. پس زیارت اهل قبور و رفتن به مزارها که توصیه شده، در کنارش چنین نگاهی نهفته است؛ وَاَلَّا صِرْفاً به عنوان یک آیین و تعارف برویم و تنبّهی برایمان پیدا نشود، این نتیجه را ندارد و این سود را نمی‌رساند. این هم یکی دیگر از مثال‌های نگاه عبرت‌آمیز است. البته نگاه دقیق‌ترش این است که وقتی انسان به آن قبر نگاه می‌کند، یک قدم جلوتر را هم ببیند و اسم خودش را هم ببیند که روی سنگ قبر نوشته‌اند. پایان راه را در مسیر خودش مشاهده کند، قبل از اینکه به آن پایان برسد. به سخن دیگر، آخربین شود؛ چراکه آخربینی زندگی ما را رونق می‌دهد و از آخوریابی به جایی نمی‌رسیم.

### ۳. نگاه به بیماران و گرفتاران

مثال دیگر، رفتن به ملاقات و عیادت بیماران است. این دیدار علاوه بر آنکه موجب عبرت می‌شود، برای بیماران نیز اسباب التیام است. یک دیدار بانشاط، خوب و آمیخته با مهر و محبت و امیدبخش، برای آنها هم طبعاً مفید است و آثار خودش را دارد. دیدار کسانی که سلامتی خودشان را از دست داده‌اند، باعث عبرت، ذکر و بیدارکننده است و موجب تنبّه می‌شود. دیدن کسانی که گرفتار هستند نیز اگر آمیخته با نصرت و کمک



باشد، برای آنها دستاوردهایی دارد و برای خود شخص نیز بیدارکننده و آمیخته‌ی با عبرت است.

### دیدنی‌های واجب برای سالک

گفتیم که گروه دوم از دیدنی‌های مفید و سودمند، از نظر فقهی مستحب است، ولی برای سالک و کسی که می‌خواهد مسیر رشد را طی کند، واجب است. این دیدنی‌ها عبارت است از دیدنی که محصولش علم و دانش و توسعه‌ی علمی و معرفتی است. این هم یک فهرست است که فراوان توصیه شده است. در جای جای قرآن کریم به صراحت به این نوع نگاه توصیه شده است و کسانی که این نگاه را از خودشان و جانشان دریغ می‌کنند، به شدت توبیخ شده‌اند. قرآن کریم به مخاطبان خود توصیه می‌کند که ببینید، نگاه کنید، چرا نگاه نمی‌کنید؟ می‌توانید یک فهرست بسیار زیبا را در قرآن کریم مشاهده کنید که به شما مطالعه‌ی کتاب آفرینش را توصیه می‌کند. مثلاً در این آیه می‌فرماید: «انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ [۸] بنگرید که در آسمان‌ها و زمین چیست؟» نگاه کنید! اینجا جای چشم‌چرانی است! چشم باید اینجا آزاد بشود، اینجا جای نظربازی عارفانه است، آسمان‌ها را تماشا کنید، قدرت الهی را تماشا کنید، ملکوت آسمان و زمین را مشاهده کنید، ببینید خدای متعال چه کرده! «این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود؛ هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار». [۹] مخصوصاً نسبت به تماشای آسمان تأکیدهای عجیبی در قرآن کریم وجود دارد؛ چنان‌که در این آیه می‌فرماید: «أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ [۱۰] آیا در ملکوت آسمان‌ها و زمین و هر چیزی که خدا آفریده است، نگریسته‌اند؟». بنا به تعبیرهای قرآن کریم، نگاه اول نگاه به «ملک» است که همین ظاهر است. اگر آسمان را تماشا کنید، مجموعه‌های روشنی را در آسمان می‌بینید، ماه را می‌بینید، ستاره‌ها را می‌بینید، ترکیب ماه و ستاره‌ها را می‌بینید، خورشید را تماشا می‌کنید. این نگاه اول است؛ اما خدای متعال از شما توقع کرده که پیوسته این نگاه، ملکوتش را نیز ببینید. ملکوتش عبارت است از سلطنت خداوند، قدرت الهی، مالکیت پروردگار متعال، حاکمیت حضرت حق. کسی که آنها را به وجود آورده، نگه می‌دارد، سامان می‌دهد، اداره و تدبیر می‌کند. جالب است که به شما چشم تماشا داده و فرموده ما این مجموعه را برای شما زینت هم دادیم: «وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزِينَاتٍ لِّنَاطِرٍ؛ [۱۱] و به یقین، ما در آسمان برج‌هایی قرار دادیم و آن را برای تماشاگران آراستیم». در آیه دیگر می‌فرماید: «زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ؛ [۱۲] ما آسمان این دنیا را به زیور اختران آراستیم». با ستاره‌ها و سیارات، آسمان دنیا را برای تماشای شما زینت دادیم.

آیات آسمانی، آیات زمینی، چیزهایی که پیرامون شما است از انواع و اقسام نشانه‌ها و آیات، اینها را ببینید. این نگاه، نگاه دانش‌افزا است که معرفت شما را افزایش می‌دهد. این نگاه آمیخته با تفکر است که محصولش توسعه‌ی دانش می‌شود و معرفت الهی شما را تقویت می‌کند.

[۱]. حج: ۴۶.

[۲]. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۴۱.

[۳]. دیوان هاتف اصفهانی.

[۴]. روم: ۴۲.

[۵]. نمل: ۱۴.

[۶]. نمل: ۶۹.

[۷]. انعام: ۱۱.

[۸]. یونس: ۱۰۱.

[۹]. قصاید سعدی.

[۱۰]. اعراف: ۱۸۵.

[۱۱]. حجر: ۱۶.

[۱۲]. صافات: ۶.